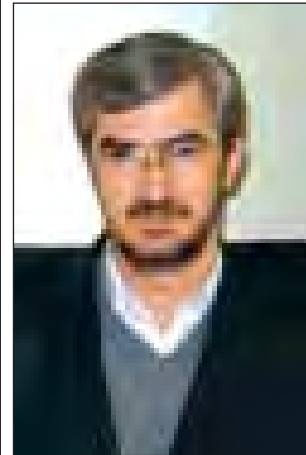


نخستین رئیس هیات مدیره بورس کشاورزی در گفت و گو با ماهنامه بورس کالا:

فقط معامله ۴ محصول بورس کشاورزی را نجات می دهد



امیر آشتیانی

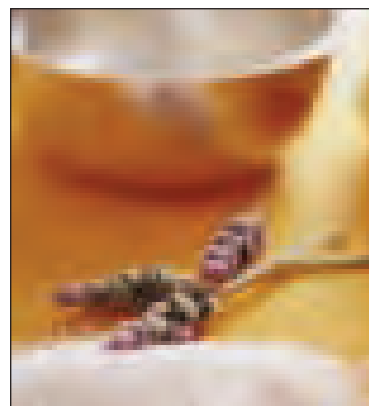
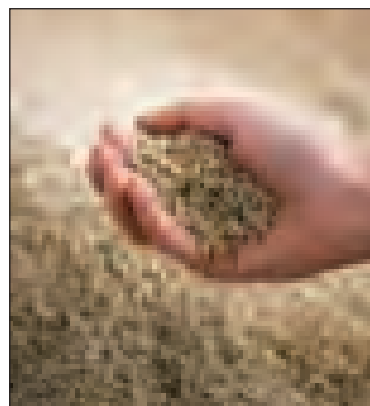
خسرو صداقت دانش آموخته فوق لیسانس مدیریت دانشگاه شهید بهشتی است و تاکنون مشاغل و پست های مختلف مدیریتی را تجربه کرده است. خودش می گوید پروژه پارس جنوبی را که امروزه در حد یک پروژه ملی مطرح شده است در یک اتاق کوچک با چند نفر از دوستان استارت زدیم اما شرایط بورس کالا خیلی بهتر بود و یک طبقه برای مطالعات امکان سنجی آن در طبقه سیزدهم ساختمان بورس داشتیم. با اینکه یکبار برای راه اندازی این بورس درخواست شوالیه های اقتصادی کرده بود تا با مخالفان آن مبارزه کند، باز هم خیلی به آینده آن در ایران خوش بین است، حتی صداقت امیدوار است بورس کالا هم روزی مثل پروژه پارس جنوبی در حد یک پروژه ملی مطرح شود. وی مدیر دفتر مطالعات راه اندازی بورس کالا در ایران بوده است و عنوان نخستین رئیس هیات مدیره بورس کشاورزی را هم یدک می کشد. صداقت هم اکنون عضو هیات مدیره شرکت سرمایه گذاری غدیر و رئیس هیات مدیره شرکت صنایع نیشکر و توسعه جانبی است. ساعتی با او در رابطه با چالش ها و فرصت های بورس کالا به گفت و گو نشستیم که در ادامه می آید:

می رفتند به دلیل تاثیری که در امنیت غذایی کشور می گذاشتند مثل گندم به آن نزدیک نشوند. و این موارد به عنوان معیار اساسی قرار دادند و وزن کمتری برای آنها در این امکان سنجی قائل شدند. در نتیجه محصولات بر اساس یک مدل علمی با ۱۷ معیار تعریف شده، سنجیده شدند، که پس از

تجربیات کار آنها در راه اندازی بورس کالا در ایران استفاده شود و کارها بر اساس مطالعات عملی پیش رود.

■ نخود و عدس جز ۴ محصول اول بودند که با شکست روبرو شدند، با توجه به اینکه این دو در قالب محصولات خرید تضمینی

■ یکی از ایراداتی که به بورس کشاورزی گرفته می شود، برمی گردد به انجام امور مطالعاتی و امکان سنجی، مبنی بر اینکه یک گروه محصولاتی را به عنوان کالای منتخب برای شروع بورس معرفی کرد، که موفق نبودند و به ناچار محصولاتی دیگر



پیشرفت به ۵ معیار اساسی رسیدیم و در نهایت به یک مدل اقتصادی - ریاضی تهیه شد که بر اساس آن مواردی چون سطح زیر کشت، میزان تولید در سال های مختلف، دخالت دولت، صادرات و واردات و نحوه توزیع آن ها در بازار مورد بررسی قرار گرفت و به محصولات منتخب رسیدیم که برنج، نخود، عدس و جو رتبه های اول تا چهارم را به دست آوردند، سپس پسته، پنبه و سایر محصولات قرار گرفتند خوب یا بد این حاصل یک کار مطالعاتی، علمی و اقتصاد کشاورزی بود.

جا می گرفتند، علت انتخاب آنها در بین کالاهای اصلی چه بود؟
در آن زمان بحث مطالعات محصول را آقای دکتر چیدری مدیریت می کردند و دکتر غفاری، مجاوریان، حسینی از اساتید اقتصاد کشاورزی کمیته مطالعات بودند که این محصولات را بر اساس بازار موجود محصولات کشاورزی انتخاب کردند. به این ترتیب تصمیم گرفته شد، محصولاتی را که انحصار داشتند یا به اصطلاح «منوپل» بودند مثل پسته، یا استراتژیک به شمار

وارد چرخه معاملات بورس کشاورزی شد، توجیه شما به عنوان مدیر دفتر مطالعات راه اندازی بورس های کالایی در این رابطه چیست؟

شاید یکی از دلایل آن این بود این یک کار تازه ای بود و تمام اطلاعات ما از بورس های جهانی محدود به اطلاعات دریافتی از اینترنت بود، چرا که منابع اطلاعاتی در کشور در این رابطه وجود نداشت. ضمن اینکه امکان های بازدید از بورس های کالایی خارجی وجود نداشت تا از

دست و پنجه نرم می‌کند؟

شکر بورسی نشد چون صنعت قند و شکر به خاطر مسائل استراتژیک در انحصار تحت حمایت دولت بود و هنوز هم هست.

تا سال گذشته کارخانجات مابه‌التفاوت قیمت پایه تعیین شده و قیمت تمام شده به علاوه سود معقول را از دولت به عنوان پارانیه می‌گرفتند یا بخشی از شکر را دولت با قیمت تمام شده به علاوه یک سود معقول از آنها می‌خرید. اما دیگر این روند ادامه ندارد و با توجه به واردات بسیار زیاد که حدود ۳ میلیون تن شکر وارد کشور شده و ۱/۲ میلیون تن شکر هم تولید شده است. در حالی که کشور ۲ میلیون تن مصرف دارد. یعنی اگر تا

رافع و به سمت توسعه حرکت دهد، همانطور که برای سایر زیربخش‌های آن برنامه توسعه‌ای دارد. چرا که سرمایه‌گذاری در این بخش بسیار کم بوده و سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر جذب مرحله قبل از تولید شده است و در مورد بازار آن فعالیت چندانی از سوی وزارت جهاد و بازرگانی صورت نگرفته است. همانطوری که گفتیم در مورد بازار آن هم مشکلاتی و مقاومت‌هایی وجود دارد که از سلف‌خران محلی شروع و به بنکداران و تاجران محلی و بین‌المللی ختم می‌شود که سپس از آنجا وارد سیستم خرده‌فروشی می‌شود. این سیستم‌ها نه نسبت به این بورس آگاه هستند و نه حاضر هستند که منافع کوتاه مدتشان را فدای منافع بلندمدت، یعنی حضور در بورس کنند. در نتیجه این مقاومت آنها نمی‌شکند و به طور مستقیم و غیرمستقیم مانع رونق گرفتن بورس شدند و می‌شوند.

پس می‌توان گفت که در بخش مطالعات

تولید و بازار کم توجهی کردید؟

تا حدودی، پس از تکمیل مطالعات بعد از راه‌اندازی روی محصولاتی چون دانه‌های روغنی، کنجاله و سویا و سایر محصولات، متوجه شدیم راه‌اندازی بورس کشاورزی فقط باید با چهار محصول آغاز شود و اگر کالایی غیر از چهار محصول، در بورس معامله شود سبب به تاخیر افتادن توسعه بورس کشاورزی یا بازار این محصولات در بورس کالا می‌شود.

همانطور که اتفاق افتاد و آقایان با ورود محصولاتی چون تخم‌مرغ، انار، کشمش و... بورس را به ابتدال کشاندند.

این چهار محصول حیاتی کدام است؟

شکر، جو، ذرت و کنجاله سویا.

چرا معتقدید این‌ها می‌توانند بورس

کشاورزی را نجات دهند؟

چون بخش بزرگی از این ۴ محصول وارداتی است و به دلیل رعایت استانداردهای بین‌المللی مشکل استاندارد سازی ندارد و دوم هم در مجموع حجم بزرگ و یکجادرند و این با حجم بزرگ برنج متفاوت است. چرا که شما نمی‌توانید هزار تن برنج یک نوع را در ایران معامله کنید. بنابراین وقتی صحبت از بورس می‌شود صحبت از داد و ستد در حجم‌های بزرگ است. هم اکنون محصول پنجمی وجود ندارد که بتواند این دو شرط را احراز کند. ۳۰ کارخانه داریم که بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تن شکر تولید می‌کنند، کارخانه‌های کارون و ۷ تپه که هر کدام حدود ۱۰۰ هزار تن تولید می‌کنند و ۴۰۰ هزار تن هم توسعه نیشکر و صنایع جانبی تولید می‌کند که تا ۲ سال آینده به ۷۰۰ هزار تن می‌رسد. اگر بتواند این‌ها را نسبت به حضور در بورس توجیه کرد بسیاری از مشکلات حل می‌شود چرا که آنها هم با توجه به داشتن ۱۵۰ هزار تن شکر در انبارها مشکل فروش دارند که بورس مشکل بازاریابی آنها را حل می‌کند.

اما گویا شکر با مشکل تعیین قیمت

اما این کافی نبود و نسخه علمی به تنهایی جواب نداد!

درست است چون ما یک نقص بزرگ داشتیم و آن هم آگاهی کم نسبت به بورس‌های کالایی سایر کشورها بود. هر چند محصولات پر معامله در سایر بورس‌ها را بدست آورده و در نتایج مطالعات لحاظ کردیم اما نتوانست کمک شایانی به ما بکند. من صادقانه اعتراف می‌کنم، به این توجه نکردیم که ورود آنها از بازار فعلی و سنتی به بازاری جدید و مدرن امکان‌پذیر هست یا خیر. مهمترین چیزی که باید رعایت می‌شود، انبار، استانداردسازی و نگهداری محصولات در شرایط مناسب بود.

اگر اشتباه نکنم در مطالعات ما برنج در تبه‌های بالا یا اول قرار گرفت اما به این نکته توجه نشده بود که مزارع و نحوه کشت برنج در ایران حتی انبارهای آن استاندارد نیست.

اینکه یک برنج را در یک استاندارد خاص از یک مزرعه داشته باشیم شدنی نبود و نیست. این ضعف‌های مطالعات بود که در اجرا نمایان شد.

حتی اگر به یاد داشته باشید اولین معامله را وزیر بازرگانی و وزیر جهاد و کشاورزی در روز افتتاح بورس با ۵۰ تن برنج انجام دادند. آن روزها همه تصور کردند که برنج نقش یک محصول پررونق را در بورس خواهد داشت، مثل فولاد در بورس فلزات، حتی من هم چنین تصویری داشتم. اما خیلی سریع پس از راه‌اندازی بورس متوجه شدیم این مشکلات مانع رونق گرفتن معاملات آن می‌شود.

مشکلات از کجا نشات می‌گرفت؟

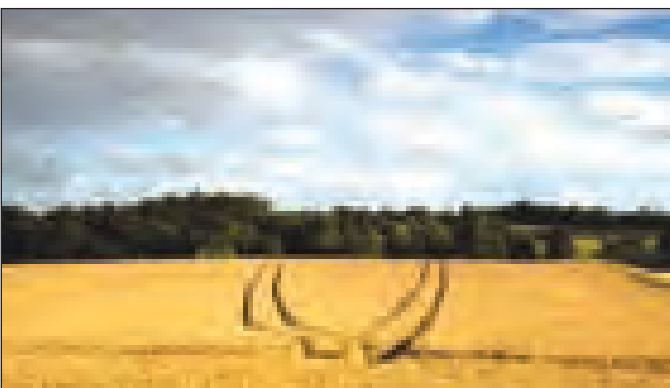
در ۲ جا مشکل وجود داشت یکی در تولید، دیگری در بازار.

اکثر محصولات کشاورزی بازارها قوی، تثبیت شده و مورد حمایت تجار در نقاط مختلف کشور داشتند و کماکان هم دارند. این‌ها اجازه ورود برنج را به بورس نمی‌دادند چون منافعیشان به خطر می‌افتاد، هم اینکه از روند انجام معاملات راضی بودند پس نیاز به تغییر را احساس نمی‌کردند. ضمن اینکه تنوع بذر سبب تنوع تولید می‌شد و این امر هم استانداردسازی را دچار مشکل می‌کرد.

پس بازار سنتی در مقابل شما مقاومت کرد و می‌کند، راهکار شما برای برون رفت از این مشکل چیست؟

بله، باید ۲ اتفاق اساسی بیفتد یکی عرضه محصولات نسبت به تقاضا افزایش پیدا کند؛ چرا که تا زمانی که عرضه محدود باشد بورس رونق نمی‌گیرد و در هیچ کجای دنیا هم این چنین سیستمی وجود ندارد که عرضه از تقاضا کمتر باشد. در کنار آن سیستم حمل و نقل مناسب، بسته‌بندی استاندارد نبود، و برای فراهم شدن شرایط به زمان نیاز دارد.

همچنین بازار اولیه قبل از بورس، یعنی از مزرعه تا تالار بورس، آماده شود که متولی آن در ایران وزارت جهاد و کشاورزی است و باید این مشکلات



۲ یا ۳ سال آینده هم وارد نشود نیاز کشور را تامین می‌کند.

پس چرا شکر قیمتش در بازار ارزان نمی‌شود؟

چون بعضی اعتقاد دارند باید این محصول برای تحریم احتمالی در ذخایر استراتژیک کشور نگهداری شود در حالی که در مورد عراق در بدترین شرایط شاهد بودیم مواد غذایی و دارویی این اتفاق رخ نداد پس این استدلال قوی نیست.

شکر در حال حاضر آمادگی ورود به بورس را دارد، وارد کننده، تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌توانند در آنجا به نقطه مشترک برسند. هم اکنون قیمت لایه اول بازار زیر قیمت تمام شده است و وارد کننده هم زیر قیمت تمام شده می‌فروشد و هر دور کن تامین کننده بازار متحمل زیان می‌شوند، پس می‌توانند در یک رقم معقول با خریدار به توافق برسند که بهترین جا برای آن می‌تواند بورس باشد البته دولت هم باید از این فرایند حمایت کند که وزارت بازرگانی باید این نقش را بر عهده گیرد. پس از آن می‌تواند اثراتش را در بازار دوم و سوم که همان مصرف‌کنندگان است نشان دهد و آن به قیمت بهتری در اختیار مردم قرار گیرد.

توجیه شما برای حضور ۳ محصول نجات بخش دیگر چیست؟

از آنجا که سویا در ایران تعداد محدودی تولید و وارد کننده دارد خریداران آن هم دامداران تشکیل می‌دهند و ماحداکثر با ۲۵۲۰ عرضه کننده



رینگ کشاورزی
معاملات بورس کالا فقط با داد و ستد چهار محصول شکر، جو، ذرت و کنجاله سو یا رونق می گیرد و عرضه سایر محصولات در آن توجیحی ندارد

روبرو هستیم ضمن اینکه مصرف کنندگان، همان دامداری های بزرگ هستند، مشخص است پس می توان با یک مکانیزم دقیق بستر را برای بورس می شدن آنها ایجاد کرد. در مورد ذرت و جو دامی هم چنین مواردی صادق است.

این محصولات می توانند سبب رونق این بورس شوند ضمن اینکه یک پتانسیل نهفته در این محصولات وجود دارد و به فعالان آن امکان تجهیز منابع را در بورس می دهند و عرضه کنندگانی که با مشکل کمبود نقدینگی روبرو هستند اگر با مساله تامین منابع مالی در بورس آشنا شوند نظرشان نسبت به بورس تغییر می کند. ضمن اینکه می توانند از ابزارهایی سلف و آتی نیز استفاده کنند. یا حتی بیچک انبار را نه مثل بورس کنیا در بورس لندن معامله شود، اما می تواند به طور محلی و ملی در داخل کشور آن ها معامله کرد، یا حتی در قراردادهای آتی و آپشن آورد که برای پیاده سازی این سیستم می توان با خرید نرم افزار از خارج در کنار استفاده از مشاورین خارجی مشکلات را حل کرد، و لزومی ندارد حتما خودمان آن را ابداع و همه کارها را انجام دهیم حتی می توان تعدادی از کارکنان اتاق پایپای برای کسب تجربه به دوره های خارج از کشور فرستاد. تنها در این روش باید در ابتدا مشخص کرد چه محصولاتی را می توان مبنای معاملات آتی قرار داد و چگونه امکان جذب سرمایه گذار را به این بازار مشخص کرد. حتی مثل بازار اوراق بهادار از بانک های سرمایه گذاری برای «آندر رایتینگ» کردن عرضه های محصولات استفاده کرد که اگر محصول فروش نرفت آنها خریداری کنند.

ببینید بورس کشاورزی به دلیل ضعف مدیریتش نتوانست خیلی موفق باشد چرا که کمبود دانش بورسی در بین مدیران این بورس وجود داشت استثنا هم ندارد و حتی خود من هم شامل آن می شوم چون آشنایی مانسبت به این بازار بسیار کم است دیگر هم که مورد توجه مسئولان قرار نگرفته حتی برای تامین منابع و در اختیار داشتن بودجه جاری برای اینکه دوره آموزشی و سایر طرح های فرهنگ سازی اجرا شود، مشکل داشتیم. اما در نهایت برای رشد بورس کالا باید بازار اوراق بهادار در آن رونق بگیرد.

لطفا شما به عنوان رئیس نخستین

هیات مدیره بورس کشاورزی توضیح دهید، چرا مهندس کبیری به عنوان دبیر کل انتخاب شد، با توجه به اینکه خودشان هم قبول کردند مدیریشان در مدت حضور چندانی راضی کنند، نبوده ضمن اینکه هیچ وقت این انتخاب اصلاح نشد؟

الان صریح و بی پرده می توانم بگویم چون بر اساس قانون وزارت جهاد متولی راه اندازی بود باید کسی انتخاب می شد که مورد تایید وزارتخانه هم قرار می گرفت.

مهندس کبیری در بین ۵ نفری که معرفی شدند شرایط بهتری را داشتند.

۵ نفر چه کسانی بودند؟

از بانک کشاورزی آقای خدارحمی کاندیدا بودند، من بودم، آقای سیفی کاران بود آقای کبیری و آقای کلاتتری و اجماع بر این شد که آقای کبیری بهترین گزینه برای مدیر اجرایی هستند

اما برای دبیر کلی انتخاب درستی نبود و باید یک متخصص مالی انتخاب می شد چون وی می توانست بهتر بازار را هدایت و مدیریت کند و با در نظر گرفتن این مورد می توان گفت مهندس کبیری انتخاب درستی نبود چرا که ایشان اطلاعات مالی زیادی نداشتند.

پس چرا هیچ وقت اصلاح نشد، مگر شما رئیس هیات مدیره بورس نبودید و متوجه این مساله که می فرمایید، نبودید؟

در این مورد همه اعضا از جمله خود من مقصر بودند که ایشان را توجیه نکردیم، البته برای خود مهندس کبیری هم این پست چندان مهم نبود. ما باید یک متخصص مالی را به عنوان دبیر کل مطرح می کردیم تا این مشکلات ایجاد نمی شد و این نقطه ضعفی است که در کارنامه بورس کشاورزی و هیات مدیره آن وجود دارد.

یکی از انتقاداتی که بورس کشاورزی وارد می شود انتخاب کارگزاران اش بود که خیلی از آنها توانایی لازم و مالی و علمی را برای حضور در یک بازار مالی نداشتند، در مورد این مورد چه توضیحی دارید؟

انتخاب کارگزاران معیارهای دقیقی نداشت و برای آن حتی همان نتایجی که از مطالعات سایر بورس ها بدست آمده بود رعایت نشد.

چرا؟

درست است که یک سازمان در شرف تاسیس با تمام بخش هایش درگیر این انتخاب بودند، اما دانش این گروه نسبت به بورس کم بود این مساله هم سبب بروز اشتباهاتی شد که اکنون هم دوباره در هیات مدیره بورس کالا در حال تکرار شدن است که احساس می کنند حتما بنگاه های بزرگ باید کارگزار شوند.

البته آنها می توانستند کارگزارانی داشته باشند و آن را نمی کنم یک سیستم غیر توانمند مالی اما آشنا به ساز و کار این بازار هم می تواند در این نهاد موفق شود یا حتی در خدمت بزرگان بازار باشد

و لازم نیست منابع مالی در اختیار داشته باشند. همانطور که تجربه بورس کشاورزی نشان داده حتی در بعضی موارد حضور سیستم های بزرگ ضررش بیش تر از مزایا آن هست. بعضی از آنها از بورس به عنوان ابزار تبلیغی استفاده می کردند و معاملاتشان را در خارج بورس انجام می دادند اگر بخواهیم قضاوت کنیم باید بگویم در مورد انتخاب کارگزاران بورس کشاورزی درست عمل نشد. اگر هدف راه اندازی این بازار، مبتنی بر معاملات فیزیکی در نظر گرفته شود این اشتباه کم رنگ تر بود اما اگر بورس کالا بر اساس معاملات اوراق بهادار بسنجیم این اشتباه بیش تر به چشم می آید که همچنان ادامه دارد.

منطق حکم می کند مسئولان سازمان بورس به این مسائل بیشتر دقت کنند و از کارگزارانی که تمایل به فعالیت در بازار بر اساس اوراق بهادار دارند بیش تر استفاده کنند، و حتی آنها را کمک کنند و معیار قضاوت در مورد کارگزاران محدود به بررسی آمار عملکردشان در مورد معاملات قبلی نباشد. مورد دیگر هم که باید در مورد کارگزاران بورس کشاورزی گفت این است که اکثر آنها دانش مشخص از بورس کالا ندارند حتی خود من که مدیر مطالعات بودم بیشتر اطلاعات کلی دارم. ما تجربیات جهانی را بومی سازی نکردیم و هنوز هم آماتور عمل می کنیم. طبیعی است وقتی این گروه به عنوان یکی از ارکان بازار با آن چندان آشنا نباشند، نمی توان امکان رشد مناسبی برای آن متصور شد. این ضعف در مورد مدیران اجرایی بورس هم قابل رویت بود. چون آشنایی آنها با مدیریت مالی و مطالب مربوط به آن و ریسک بسیار کم بود و این مشکل در سازمان های مرتبط با بورس همچنان وزارت جهاد و کشاورزی و سایر سازمان های مرتبط نیز مشهود بوده و هست.

یک سوالی که همیشه در مورد بورس کشاورزی مطرح بوده این است که چرا خانه کشاورز در این بورس حضور فعالی نداشت، با توجه به اینکه آقای کلاتتری در مراحل ابتدایی راه اندازی این بورس جز دست اندر کاران بودند و هم سابقه وزارت کشاورزی داشتند و هم مسئولیت یک نهاد متشکل کشاورزی را داشتند این مولفه ها می توانست در فرهنگ سازی در بورس کمک کند، آیا بین ایشان و بورس اختلافی وجود داشت؟

مهندس کلاتتری به همراه دکتر رسول اف مدیر عامل وقت بانک کشاورزی، دکتر عبده تبریزی قبل از دبیر کلی بورس اوراق بهادار، دکتر رحمانی قبل از استانداری استان تهران عضو کمیته عادی نظارت بر مطالعات بودند.

دکتر کلاتتری سابقه درخشانی در بخش کشاورزی داشتند اما به دلیل اختلاف سلیقه و نظر سیاسی از این چرخه دور ماندند در صورتی که خودشان و مشکلمان می توانستند به رونق بورس کمک کنند.

اگر این اراده وجود داشت می توان محصولاتی چون پسته، زعفران و خرما را با توجه به بازارهای جهانی آنها در بورس معامله کرد، اما چون این اراده وجود ندارد این تجربه چندان موفق نبوده است.

■ چه کسانی موافق و مخالفان بورس بودند، آیا کسانی بودند که در طول انجام کار تغییر نظر بدهند؟

در دی ماه ۸۲ که دفتر مطالعات بورس کالا شکل گرفت به دلیل عدم آشنایی با واژه بورس کالا، تقریباً همه مخالف بودند چه برسد به کارگزاران حتی بعضی از مدیران آن روز بورس اوراق بهادار، این فرایند را بی اثر می دانستند و آن را شوخی و بازی بیش نمی دانستند. گروهی از مخالفان کسانی بودند و هستند که در سیستم های مختلف مدیریتی کشور، ممکن است در حوزه کاری خودشان موفق باشند اما نوآوری مخالف هستند و محافظه کار هستند بعضی ها هم مخالف صادقانه بودند، چرا که حس می کردند بورس کالا به سیستم اقتصادی کشور آسیب وارد می کند، پس مخالفت می کردند. دسته سوم مخالفان زیرک بودند که احساس می کردند شفاف سازی بورس منافع آنها را به خطر می اندازد. چون بخشی از سود آنها از پنهان کاری حاصل می شد از بین می رفت چون بورس همه چیز را آشکار می کند.

اما این گروه مخالفت آشکار با بورس نمی کنند بلکه توجیهاتی شبیه همان چیزی که این روزها برای سیمان و پتروشیمی می آورند، می آورند بر فرض برای سیمان و محصولات پتروشیمی که بر اساس آمار منتشر شده هر کدام بالغ بر ۶۰۰ میلیارد تومان رانت در بازارشان وجود دارد، اما مخالفان پنهان می گویند اگر این آزادسازی انجام شود سبب افزایش قیمت این محصولات در بازار می شود و به مصرف کننده آسیب می رسد. در حالی که به نفع مصرف کننده می شوند و به منافع خودشان آسیب می رسد. شاید این گروه تا مدتی موفق به تاخیر شفاف سازی شوند اما در آخر محکوم به شکست هستند مطمئن باشید پیشرفت آنها را مجبور می کند در مقابل این بازار و کار کردن سر تعظیم فرود آورند.

کنسرسیومی تشکیل دادند و بورس نفت تا مرحله اخذ مجوز پیش رفت اما احتمالاً بیش از این هم نمی رود و همین بورس کالا می تواند بعضی محصولات را در خودش معامله کند.

■ اما در مورد فلزات به نظر می رسید که یک نیاز هم بود شاید این مورد هم به موفقیتش کمک کرد؟

بله، چرا که یکسری کارخانجات بزرگ محصولاتی را که تولید می کردند و بین قیمت عرضه آنها و قیمتی که به مصرف کننده می رسید تفاوت زیاد بود این ارزش افزوده نصیب کسانی که در تولید این محصول هیچ نقشی نداشتند. دقیقاً شبیه مشکلی که تولید کنندگان سیمان در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم می کنند.

آن زمان این نتیجه حاصل شد که اگر بازاری به عنوان بورس فلزات راه اندازی شود بخشی از این سود به تولید کنندگان می رسد که در عمل هم این پیش بینی محقق شد. می توان گفت بورس فلزات قدم اول را برداشته است و به عنوان یک دفتر فروش برای تولید کنندگان دولتی نقش ایفا کرده است و به جای خودش محصولات در دفتر کارخانه به آنجا منتقل شد و از طریق کارگزاری ها معاملاتشان انجام شد که در این عرضه و کشف قیمت در بورس سود بیشتری نصیب تولید کنندگان شد. بورس فلزات در همین قدم اول به ایجاد شناخت در قیمت، تنظیم بازار، فرهنگ سازی برای بورس و زیرساخت گسترش بورس کمک شایانی کرده است.

■ اما خیلی ها به روند کشف قیمت در این بورس ایراد می گیرند؟

درست است کشف قیمت از تلاقی عرضه و تقاضای نامحدود بدست می آید. اگر کشف قیمت ها محدود و درست باشد، کشف قیمت خیلی واقعی نیست. اگر روند اجرای اصل ۴۴ به درستی ادامه پیدا کند و توجه لازم به آن شود، خصوصی سازی در صنعت فولاد رخ دهد. از طرفی هم زمینه رقابت در سطح جهان مطرح شود، شاید بتوان بستر برای گام دوم برای بورس فلزات برداشته شود و از یک دفتر فروش بزرگ به یک بازار فیزیکی مالی تبدیل شود.

■ و بخش کشاورزی؟

بخش کشاورزی اولویت خاصی نبود افرادی مثل دکتر رسول اف و دکتر کلاتری اعتقاد داشتند که بازار کشاورزی ناکارآمد است و بخش پس از تولید را که میلیاردها تومان سرمایه گذاری را در خود می گیرد را با بورس می تواند قدرتمندتر کرد و این مسائل را حجتی و معاونانش خیلی بهتر از مسئولان فعلی این مساله را قبول کردند اما مدیران فعلی ورده بالای وزارت جهاد کشاورزی نخواستند به این بازار پر و بال بدهند. تقویت جایگاه بخش کشاورزی باید از طریق بازارهای آن انجام شود، این وظیفه بر عهده وزارت جهاد کشاورزی است، نه بورس. چون آنها متولی تولید هستند.

■ شما که تا حدودی به این مشکلات آگاه بودید چرا به فکر راه اندازی بورس کالا افتادید؟

یکی از کسانی که باید از یاد و تقدیر کنم آقای میرمطهری دبیر کل اسبق بورس اوراق بهادار است، قبل از اینکه دبیر کل شوند، در زمره مدیران سازمان مدیریت بودند، خدا رحمت کند مرحوم نوربخش که در آن زمان رئیس کل بانک مرکزی و شورای بورس بودند. با بررسی هایی که آنها کرده بودند، توسعه بازار سرمایه را در گرو رشد بورس های کالایی دانسته بودند لذا در بند چ ماده ۹۵ بر نامه سوم توسعه به کمک افرادی چون دکتر خادم آدم، دکتر بای بردی، دکتر توفیق، دکتر نائینی بند «ج» معروف در ماده ۹۵ گنجانده شد. و جایگاه آن در بورس اوراق بهادار دیده شد که منجر به راه اندازی دفتر مطالعات بورس کالا شد و ابتدا آقای پرویز صداقت مطالعات را شروع کردند، بعد من حضور پیدا کردم که حاصل آن در مرحله اول ۱۵ جلد کتاب و در مرحله دوم ۳ جلد کتاب تکمیلی تهیه شد. اما پیش از آن به دلیل حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی مطالعاتی در مورد بورس نفت انجام شد و مطالعات اولیه آن سال ۷۹-۸۰ انجام شد و آقای کاظم پور اردبیلی مسئول این کار تحقیقاتی بودند. حتی آقای زنگنه در ابتدا با شک و تردید به این پروژه نگاه می کردند، سپس ترغیب شد. و آقای دکتر عباس آخوندی وزیر سابق مسکن تنها متخصص در آن زمان بودند که دعوت به همکاری شدند چون ایشان در «تت» دکتر ایشان در لندن روی بورس نفت کار تحقیقاتی و علمی کرده بودند.

اما بررسی هادر آن زمان نشان داد که راه اندازی این بورس در ایران کار مشکلی است، و گزاری هم در این مورد تهیه شد. چرا که قیمت نفت در بازارهای جهانی حتی خارج از اراده اوپک تعیین می شود. این نتیجه حاصل شد که این بورس نیاز به یکسری رایزنی های سیاسی با مسئولان کشورهای حوزه خلیج فارس دارد و تعامل نزدیک با عربستان به عنوان تولید کننده نفت و حتی کشورهای نظیر امارات، قطر، عراق و... را می طلبد و راه اندازی این بورس در ایران تنها در حد شعار بوده و امکان اجرایی شدن آن بسیار کم است.

■ اکنون همین اعتقاد را دارید که نمی توان در ایران بورس نفت راه اندازی کرد؟

بله، بهتر است به جای نفت فرآورده های نفتی را معامله کنیم همانطوری که فلزات هم در بورس های دنیا معامله نمی شد ایران نخستین کشوری بود که به همت مهندس صادقی فولاد را بررسی کرد. ما باید در بورس نفت یا کالا و فرآورده های چون حلال ها، پارافین و... که گردش بالایی دارند مبنای معاملات محصولات نفتی قرار دهیم، بعد آقای نعمت زاده، هم علاقه مند بودن برخی محصولات پتروشیمی هم در این گروه قرار گیرند که می تواند مفید باشد. مسئولان هم

اکثر محصولات کشاورزی بازارها قوی، تثبیت شده و مورد حمایت داشتند و کماکان هم دارند و این ها اجازه رونق را به بورس نمی دادند چون منافعیان به خطر می افتاد، و از روند انجام معاملات راضی بودند پس احساس نیاز به تغییر را نمی کردند

